

جهان در تنگنا



میعاد نیک

Miaad Nik

چگونه فریاد یاهانبکس - یاهانبکس هلندی ها به سکوتی مرگبار در انگلستان ختم شد؟

تشخیص مدیر برنامه های علیرضا به حضور او در برایتون آلبیون ختم شد تا دو سال از عمر این ستاره ایرانی به بطالت و نابودی سپری شود. لستر در شرایطی به علیرضا ی گیلان پیشنهاد امضای قرارداد را ارائه کرد که در همان روزها ستاره الجزایری اش یعنی ریاض محرز را به منچستر سیتی فروخته بود و جهانبخش را به عنوان یاری جایگزین برای وینگر سابق خود نیاز داشت. تنها دستور د علیرضا در سال های سخت حضورش در بریتانیا به کسب تجربه از فوتبال سنگین جزیره ختم شد، در حالی که می توانست حتی مقام های قهرمانی را برایش رقم بزند.

پس از فصل ناامیدکننده ۲۰۱۹-۲۰۱۸ و تبدیل شدن علی جهان از یک پرفکت وینگر به هافبکی خسته، امیدهای جهانبخش به فصل جاری و تغییرات در کادرفنی برایتون بود تا با سیستم موردعلاقه اش کار را ادامه دهد اما رسیدن گراهام پاتر به اردوی برایتونی ها یک کابوس طولانی و وحشتناک را برای علی جهان رقم زد تا ستاره شماره ۱۶ تیم برایتون در فصل کروانی ۲۰۲۰-۲۰۱۹ تنها حضور ۱۰ بازی را تجربه کند که فقط ۳ بازی اش را فیکس باشد و هرگز تا انتهای ۹۰ دقیقه جایی در اندیشه های تاکتیکی سرمربی جدیدش در مستطیل سبز نداشته باشد. علیرضا درواپسین دیدار برایتون در لیگ برتر تنها یک دقیقه در زمین حاضر شد تا لجاجتی ها و بی اعتمادی های گراهام نسبت به او که فصل جاری را تنها با ۳۱۰ دقیقه حضور در مستطیل سبز به پایان رساند، بیشتر مشخص شود. چسباندن توپ لیگ جزیره به پایک قیچی برگردان زیبا به تور دروازه چلسی و به ثمر رساندن سریع ترین گل تاریخ تیم برایتون توسط علیرضا در این فصل از رقابت های لیگ برتر اما باعث نشد تا پاتر با میدان دادن به جهانبخش، او را بر خوردار از اعتماد بیشتری کند و در عوض در آخرین صحبت هایش، احتمال جدایی علی جهان از جمع مرغان دریایی را افزایش داد.

گراهام پاتر در صحبت هایش مدعی شد عصبانیت جهانبخش ناشی از عدم حضورش در بازی هاست اما هر فوتبالیستی می خواهد همیشه بازی کند. سرمربی تیم برایتون از احساس شکست در وجود جهانبخش صحبت می کرد و تصمیم گیری درمورد ستاره ایرانی را به مدیران باشگاه و به فصل نقل و انتقالات تابستانی پیش رو ارجاع داد. مشکل علی جهان با گراهام پاتر این است که جاه طلبی ستاره آبی پوش او را نیازمند تعدد بیشتر حضور در بازی ها می کند و سرمربی انگلیسی اما علاقه ای به استفاده از او در تاکتیک هایش ندارد، گرچه تلاش علی را ستایش می کند. بنا به تحلیل ها و گزارشات روزنامه برایتون ایندپندنت از صحبت های گراهام پاتر و منابع نزدیک به آبی های شهر برایتون، این تیم در چهارمین فصل حضور متوالی اش در لیگ برتر انگلیس باید تصمیم های سختی در پنجره نقل و انتقالات تابستانی بگیرد. با بازیکن به احتمال فراوان باید از برایتون جدا شوند که یکی از آنها جهانبخش است. علیرضا جهانبخش، ژوزه ایزکورترو، یورگن لوکادیا، فلورین آندون، برام کایال، اسپلوتو، برناردو، داوید بوتون، جیسون استیل و لوفیس دانک ۱۰ بازیکنی هستند که احتمالا در تابستان پیش رو از برایتون جدا می شوند.

به ابتدای متن بازگردیم، برای رسیدن به موفقیت و طی کردن پله های ترقی تنها فاکتور مورد نیاز تلاش است و تلاش. علیرضا از گیلان تا انگلستان را صرفا متکی به تلاش های بی وقفه خودش طی کرد اما هرگز نتوانست حتی درصدی از دوران اوج هلند را در جنوب انگلیس تکرار کند. علی جهان ۵ سال بسیار خوب را در اردیویسه سپری کرد و مانند یک پرنده چالاک از قعر دره ها به بالای ابرها رسید و پرواز در اوج را تجربه کرد اما نتوانست خود را مانند یک عقاب همیشه بالاتر از ابرهانگه دارد و شاید حتی به پایین تر از سطح قبلی اش بازگشته. مشکل علی این نیست که به علت برخورداری از مسائل جانبی و عدم صلاحیت به قله رسیده باشد، ایراد کار علیرضا انتخابی است که کار دستش داد و او را از صدر توجهات به یک لژیونر فراموش شده حتی در ایران تبدیل کرد. در شرایطی که سردار آزمون، مهدی طارمی، مهرداد و میلاد محمدی عملکرد خوبی را از خود طی دو سال اخیر برجای گذاشته اند، علیرضا در کورس رقابت با دوستان ملی پوشش جامانده و برای سبقت از یوزهای لژیونر بایستی در انتخاب هایش تجدید نظری جدی داشته باشد.

ورزشی به سبب خود در خانه نداشته باشند اما با لباس برادر بزرگترشان و با کفش های نامناسب پدر به زمین تمرین می روند تا آینده خود را با له کردن چمن ها رقم بزنند. ماجرای امروز فوتبال را در روستایی از گیلان آغاز می کنم، روستای گمنامی به نام «جیرنده» که در دامان خود یک قهرمان را پرورش داد، یک علیرضا جهانبخش. شاید تا ۵ سال پیش تنها دلیل تعریف شهرستان داماش و روستاهای اطرافش به وجود چشمه آب معدنی این ناحیه و زیبایی های طبیعتش بازمی گشت اما اکنون با شنیدن واژه های گیلان، داماش و جیرنده گوش های فوتبال دوستان بلافاصله به دنبال شنیدن نام پسر شماره ۱۸ تیم ملی ایران منتظر می ماند. علی جهان با فوتبال گیلان کاری کرد تا شمایل یک سیروس قایقران محبوب دیگر این بار در شرقی ترین نقطه این استان پیدا شود. پسر محبوب و آرام داماشی که پله های موفقیت را آرام آرام از تیم شهرش آغاز کرد و با خریدن زنگار زندگی در غربت آن هم در ابتدای ۲۰ سالگی، به جایی رسید تا کودکان زاغه نشین با پلاستیک های بازیافتی یک شبه پیراهن با نام دست نویس جهانبخش برای خود درست کنند و غایت آمال و آرزوهای خود را «علیرضا شدن» ببینند، رسیدن به یک رویای شیرین اما دور از دسترس.

داماش سکوی پرتاب جهانبخش به فوتبال مدرن اروپا بود. پسر خوش تیپ گیلانی از همان ابتدا نشانه های یک بازیکن حرفه ای و تلاشگر را آنقدر به مربیان نشان داد تا همه به این اجماع نظر برسند که «علی حیف است در فوتبال ایران بماند». جهانبخش با رهنمودهای افراد کاربلد و دلسوز در اوایل جوانی به هلند منتقل شد تا معنی هر لحظه جنگیدن برای یک لحظه بیشتر در اوج ماندن را متوجه شود. علی جهان با شروع در ان ای سی نایمخن توانست جاده سنگلاخی موفقیت را هموار کند تا طبیعت را وادار به برگزیدن خودش کرده باشد، طبیعت بی رحم فوتبال اروپا که تنها بهترین ها و شایسته ترین ها را طلب می کند؛ نه لزوما مستعد ها را. علیرضا محبوب آنقدر در تیم کوچک هلندی درخشید تا لایق پوشیدن شماره ۷ تیم آلکمار باشد و خودش را به برندی فراتر از دیگر بازیکنان ایرانی تبدیل کند. علیرضا نیامده بود که یک مهدوی کیای دیگر و یا یک علی کریمی دیگر در فوتبال اروپا باشد؛ علی می خواست صدای «یاهانبکس» گفتن هلندی ها از آفاس استادیوم به روستای ییلاقی جیرنده برسد، بدون هیچ حرف و کلمه دیگری.

وینگر گیلانی تیم ملی ایران ۲ سال پیش و پس از کسب عنوان آقای گلی لیگ اردیویسه هلند، همچنین پس از حضور در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه و نمایش عملکردی مناسب در لباس یوزهای ایرانی طی رقابت های مقدماتی جام جهانی، با قراردادی به ارزش ۲۵ میلیون یورو از -زد آلکمار به برایتون آلبیون پیوست تا علاوه بر شکستن رکورد گران ترین بازیکن ایرانی تاریخ و گران ترین خرید تاریخ باشگاه انگلیسی، ماجراجویی هایش را در جنوب بریتانیا ادامه دهد. این انتقال پر سروصدا اما مانند آوای سازی بود که از دور زیبایی داشت و از نزدیک چیزی برای ارائه نمود نمی کرد. علیرضا پس از گذراندن ۵ فصل بسیار موفق در فوتبال هلند و حضور در رقابت های اروپایی، همچنین با گلزنی های پیاپی و عملکرد درخشان در حالی وارد جمع مرغان دریایی بندر برایتون شد که نوید یک وینگر کامل، بالغ و گلزن را می داد اما همیشه قرار نیست تا چیزهایی که انتظارش را می کشیم رخ بدهند و این بار نیز این قاعده در مورد جهانبخش صدق کرد؛ علیرضا از یک موتور گلزنی و یک فرد مؤثر به یک بازیکن کاملا معمولی در حد لیگ دوی انگلیس بدل شد و دوستانش را به بهتی بزرگ وادار کرد. تورنمنت فیزیکی و فرسایشی لیگ برتر انگلستان مقصد مناسبی برای ستاره فانتزی تیم ملی ایران نبود و برایتون آن سیستمی که علیرضا دوست داشت را بازی نمی کرد. جهانبخش در لباس راه راه آبی و سفید برایتون اصلا آن گونه که بهترین نمایش هایش را نشان داده نتوانست حضور یابد و انتقالش از یک تیم هجومی و بالانشین در لیگ هلند به یک تیم تدافعی و قعر نشین آن هم در لیگ دشوار جزیره، استراتژی مناسبی به نظر نمی رسید.

جالب تر آن که علیرضا پس از درخشش در آلکمار هلند با پیشنهادی از سوی باشگاه لستر سیتی نیز مواجه شده بود که حتی مبلغ و شرایط آن از پیشنهاد برایتون بهتر بود اما

برای رسیدن به موفقیت و طی کردن پله های ترقی تنها فاکتور مورد نیاز تلاش است و تلاش. کمتر رخ می دهد که شخصی بدون تلاش حداکثری به قله موفقیت برسد و از آن مهم تر، برای مدتی طولانی در قله باقی بماند. کسانی که با برخورداری از مسائل جانبی و بدون صلاحیت لازم به بالاترین نقطه قابل رویت رسیده باشند، قطعاً پایک گردباد کوچک از نوک قله به قعر دره ها سقوط می کنند و برای همیشه در زباله دان تاریخ مدفون و فراموش می شوند. محمود درویش، شاعر پر آوازه مقاومت فلسطین در اغنیه ای زیبا می گوید: فراموش می شوی، گویی که هرگز نبوده ای. برای فراموش نشدن و حضور مداوم در یادها بایستی جسورانه دوید تا خاطره ها از خود ردی برجای بگذارند؛ ردی به بلندای تاریخ، به سندیت نقل های سینه به سینه.

قهرمانان پرورش اندام برای دو دقیقه فیگور گرفتن روی استیج حداقل ۱۰ سال تمرین می کنند و ریاضت می کشند اما همه تنها آن ۲ دقیقه لعنتی را می بینند. کسی که با شرایط زندگی حرفه ای یک ورزشکار آشنایی نداشته باشد با خیال راحت نمایش شاید ضعیف فیگوریست را زیر سؤال می برد و قضاوتش می کند؛ بدون کوچک ترین علم به واقعیات پنهان و تلاش های خستگی ناپذیر. در هنر هفتم نیز کسی را نمی باید که صرفا به علت استعداد ذاتی و بدون هیچ گونه تمرین و ممارستی روی سن تئاتر شهر قدم بگذارد و نقش یک کاراکتر مهم را بازی کند. بازیگران سینما و تئاتر هر کدام در سینه خود ناگفته هایی دارند که پشت اکت زیبای شان در رل اول یک فیلم یا نمایش پنهان می شود. کسی نمی داند یک بازیگر برای حضور چشمگیر در اثری فاخر چه رنج هایی را تحمل کرده و کسی نیز نمی داند صاحب اسکار سال، شاید ۱۰ سال برای آن مجسمه ز حمت کشیده باشد.

فوتبال، به عنوان یکی از مهم ترین و بزرگ ترین پایگاه های جهان نیز از این قاعده مستثنی نیست. یک بازیگر اگر برای یک کارا کمتر ۲۰ کیلوگرم وزنش را در عرض چند ماه کاهش می دهد و یک قهرمان پرورش اندام اگر برای یک فیگور سال ها ریاضت می کشد، فوتبالیست نیز بدون هیچ گونه امنیت شغلی و روانی روی زندگی اش قمار می کند تا برگ های برنده را شاید روزی در دستان خود ببیند. بسیاری در فوتبال نیست هایی که در سال های اولیه حضور در تیم های پایه از سختی های زندگی ورزشی خسته شده اند و عطای پوشیدن پیراهن تیم های بزرگ را به لقایش بخشیده اند، همینطور کم نیستند آنهایی که در مسیر موفقیت قرار گرفتند اما نتوانستند خود را با جاده ناهموار رسیدن به پیروزی وفق دهند و در میانه های راه از تلاش دست کشیدند. قانون زندگی، قانون زنده ماندن برنده هاست. هر که بیشتر و درست تر تلاش کند، در مسیر موفقیت پیروز تر است و با صلاحیت بیشتری برای مراحل بعدی انتخاب می شود. فوتبال به عنوان آینه تمام نمای یک زندگی نیز از قانون «بهتر باش تا موفق شوی» تبعیت می کند، هر چه سخت تر و محکم تر، ارزش بیشتر.

داستان موفقیت های لیونل مسی، کریستیانو رونالدو، زین الدین زیدان، رونالدینیو و بسیاری از بزرگان فوتبال دنیا را شنیده ایم. ستارگانی که در فقر به دنیا آمدند اما تصمیم گرفتند تا فقیر از دنیا نروند، آنهایی که از همه چیز و همه کس گذشتند تا فوتبال را ادامه دهند و در مسیری که واردش شدند از هیچ تلاشی فروگذار نکردند تا قله ها را به تسخیر خود در آورند. مسی و رونالدو اگر بارها لایق عنوان بهترین بازیکنان جهان شده اند تنها به ثبات آنها در طی کردن مسیر بازمی گردد. رسیدن به پیروزی آسان نیست اما سخت تر از آن ماندن در اوج و القای تسلط به دیگران است. یک پرنده معمولی شاید بتواند حتی از ابرها هم عبور کند و دنیا را از دریچه جدیدی تماشا کند اما پرواز طولانی مدت در اوج و بقا در تسلط تنها مختص عقاب است و بس. مسیر موفقیت در فوتبال مانند گرفتن ماهی از آب است، گرفتنش سخت نیست اما نگه داشتنش از هر سختی دشوار تر است.

داستان موفقیت مختص فوتبالیست های اروپایی و آمریکایی نیست و شواهدش را می توان در فوتبال ایران نیز پیدا کرد. بازیکنانی که از روستاهای محروم به عرش رسیدند و برای خود و کشور خود افتخار آفریدند تا ثابت کنند محدودیت به شدت می تواند ستاره ساز باشد. ستاره های کوچکی که شاید حتی یک لباس